

یک قطره دار

دریا!
دیگر نه این قدر شور...
تمام سهم من از تو همین چشم‌های تشنه‌گی
همین لب‌های خسته‌گی ست
آن قدر که این روزها اصلن در جریان زندگی نمی‌روم آن قدر
که از خواب‌هایم جریان آبی طناب می‌گذرد
جریانِ
آبی
طنابی که در انتهایش
یک قطره دار
چکیده

دیگر نه...
می‌روم خودم را در قطره‌ی دار غرق کنم

موج حرف آخر دریاست

انتظار آبم کرد
و این‌که بگویم دلم دریا شده است حرف کهنه‌ای زده‌ام
می‌دانم
اما پیراهنم را که بالا بزنم
ماهی‌های تُنگ، پایه‌پا شدن مرجان‌ها را در دلم
گواهی خواهند داد
با این همه
حرف آخرم را گذاشته‌ام برای روزی که سنگ شوی
موج حرف آخر دریاست